کار

چهارشنبه ۱ مرداد ۱۳۸۲ - ۲۳ جولای ۲۰۰۳ -دورهٔ سوم - شماره ۳۰۷

KAR No. 307 Wednesday 23. Jul 2003

کوبا پس از کاسترو

نابرابری جدید و ائتلاف نئوپوپولیست‌ها

در صفحه ۱۲

قتل زهرا کاظمی جمهوری اسلامی را با بحران حادی مواجه کرده است

● خبرنگار ایرانی - کانادایی پس از دستگیری بر اثر شکنجه و ضربات وارده به سر وی به قتل رسید. قاضی سعید مرتضوی شخصا بازجویی از وی را به عهده داشت

● پرونده قتل زهرا (زیبا) کاظمی ابعاد بین‌المللی یافته و همچون قتل‌های زنجیره‌ای پای رهبران حکومت به میان آمده است

زهرا کاظمی خبرنگار و عکاس ایرانی - کانادایی در دوم تیرماه دستگیر شد. وی بر اثر شکنجه و شکستگی جمجمه در حال اغما به بیمارستان انتقال یافت و در اثر جراحات وارده درگذشت. مرگ زهرا (زیبا) کاظمی که گفته می‌شود توسط سعید مرتضوی دادستان تهران به قتل رسیده است، بازتاب وسیع ملی و بین‌المللی داشت و مورد توجه ویژه رسانه‌ها و نهادهای بین‌المللی قرار گرفت. در زیر گزارهایی در این زمینه را می‌خوانید.

سعید مرتضوی دادستان تهران عامل قتل زهرا کاظمی است

روزنامه لیبراسیون در شماره روز هفده ژوئیه خود نام قاتل زهرا کاظمی روزنامه‌نگار و عکاس کانادایی، ایرانی‌الاصل را با ارایه یک گزارش مستق از تهران افشاء کرد. لیبراسیون به نقل از روزنامه‌نگار خود «ژان پییر پرن» که گزارشگر ویژه مربوط به مسائل ایران است می‌نویسد: «قاضی سعید مرتضوی خود شخصا بازجویی خانم زهرا کاظمی را بعهده داشته است و زهرا کاظمی با ضربات کفش قاضی سعید مرتضوی که به سر وی اصابت کرده، در اثر خون‌ریزی مغزی جان باخته است». ژان پییر پرن می‌نویسد خانم زهرا کاظمی سه روز در زندان اوین تحت بازجویی و شکنجه قرار داشته است و اتهامی که به او نسبت داده شده، جاسوسی برای دولت کانادا بوده است.

او می‌نویسد زهرا کاظمی پس از اینکه بیهوش می‌شود به بیمارستان سپاه پاسداران در تهران انتقال می‌یابد و پس از این جنایت مادر وی که در شیراز زندگی می‌کند، مورد تهدید و فشار قرار گرفته تا کتبا به دفن زهرا کاظمی در شیراز رضایت بدهد.

این اعمال فشار پس از پیگیری‌های استان کاظمی فرزند زهرا کاظمی بمنظور کالبدشکافی جسد مادرش صورت گرفته است. او می‌نویسد سیدمحمد ابطحی معاون سیدمحمد خاتمی در روز برملاشدن جنایت اعلام داشته است که خانم زهرا کاظمی قصد داشته است از ایران تصویر سیاهی به جهانیان نشان دهد. ژان پییر پرن می‌نویسد شخصی به نام میثم که امروز دست راست قاضی سعید مرتضوی محسوب می‌گردد، کسی است که سعید امامی را به قتل رسانده است.

یک روزنامه‌نگار دیگر فرانسوی نیز می‌گوید: موضع‌گیری‌های سیدمحمد خاتمی شبیه یک بازی با کارت توسط یک روانشناس است که او را محمد خاتمی می‌نامند. چرا که ابطحی چند روز بعد به دنبال پیگیری‌های دولت کانادا تغییر موضع داده و فرسایش‌کردن پرونده و حوادث متعدد داخلی ایران می‌تواند از اهمیت موضوع بکاهد.

حقوق بشر اسلامی: بازداشت خبرنگار کانادایی زیر نظر دادستانی بوده است

امور حقوقی کمیسیون حقوق بشر اسلامی روز یکشنبه با صدور بیانیه‌ای در خصوص درگذشت زهرا کاظمی خبرنگار عکاس کانادایی اعلام داشت: از همان روزی که نامبرده در بیمارستان بستری شده بود و مادرش به کمیسیون اطلاع داد، کمیسیون مساله را پیگیری می‌کرد تا جوانب موضوع را دقیقا ارزیابی نماید. مسئولان ذی‌ربط پزشکی در بیمارستان بقیه‌الله از هفته قبل به نماینده کمیسیون اعلام کرده بودند که امیدی به زنده‌ماندن خانم کاظمی نیست.

این تشکل خبر داد که هرگونه اقدام برای بازداشت نامبرده تحت‌نظر دادستان عمومی و انقلاب تهران بوده است.

امور حقوقی کمیسیون حقوق بشر اسلامی، با بیان اینکه هم‌اینک انتظار می‌رود مسئولان کشور به مسئولیت حقوقی خود عمل کنند و شرایط پس از دستگیری وی دقیقا روشن شود؛ اعلام کرده است: آنچه روشن است اینکه در قبال همه این مصادیق لازم است از ابتدا چند نهاد خارج از دستگاه‌های عمل‌کننده و ترجیحا مستقل و به طور خاص خانواده‌ها در جریان قرار بگیرند تا بعدا هیچ شک و شبهه‌ای از حیث روند رعایت ضوابط قانونی و انسانی وجود نداشته باشد و در مواردی امکان تغییر و تفسیرهای مختلف خلاف واقعیت نیز فراهم نشود.

ادامه در صفحه ۳

اعلامیه هیات سیاسی - اجرایی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

حکومت ایران مسئول قتل زهرا کاظمی است

عاقبت، دروغپراکنی‌های بی‌شرمانه برای لاپوشانی جنایت هولناک قتل خانم زهرا کاظمی خبرنگار کانادایی - ایرانی در زندان جمهوری اسلامی ایران، به جایی نرسید و مقامات حکومت ایران ناگزیر شدند اعتراف کنند که خانم کاظمی بر اثر اصابت ضربه به سر او، شکستن جمجمه و خونریزی مغزی، جان خود را از دست داده است.

در عین حال، تلاش گسترده‌ای از سوی حکومت ایران آغاز شده است تا چنین القا شود که بدین «تخلف» رسیدگی و «متخلف» مجازات خواهد شد. این حرفها را کسی باور نمی‌کند. زیرا:

اولا موارد قبلی قتل شهروندان به دست عوامل حکومت، از قتل فروهرها و مختاری و پوینده گرفته تا قتل عزت ابراهیم‌نژاد و موارد دیگر، از سوی حکومت لاپوشانی شد.

ثانیا قتل خانم زهرا کاظمی، چنان که تلاش می‌شود القا شود، مطلقا کار محافل خودسر و بی‌نام و نشان نیست بلکه کار دستگاه‌های اطلاعاتی و قضایی است که مستقیما از ولی امر دستور می‌گیرند، و دولتی هم که، در بهترین حالت، نمی‌تواند جان شهروندان خود و اتباع خارجی را در برابر این دستگاه‌های جنایت صیانت کند. کار هیات تحقیق انتسابی‌اش قطعا مستقل نخواهد بود.

ثالثا در حالی که نامی دیگر جز جنایت نمی‌توان بر قتل خانم کاظمی گذاشت، مقامات حکومت ایران فقط سخن از «تخلف» می‌گویند.

هیات سیاسی - اجرایی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) قتل خانم کاظمی را محکوم می‌کند و خواهان رسیدگی به این جنایت توسط یک هیات تحقیق بین‌المللی است. جدا از این که دولت کانادا چقدر برای زندگی اتباع خود ارزش قائل است و بر استرداد پیکر خانم کاظمی و تحقیق مستقل در باره این قتل اصرار ورزد یا نه، ما ایرانیان باید این را از نهادهای بین‌المللی بخواهیم. اگر حکومت ایران با صرح سنگین محکومیت و تحریمهای سیاسی بین‌المللی در واکنش نسبت به این جنایت مواجه نشود، دست به جنایات بیشتری خواهد زد. هم‌اکنون، خیل بزرگی از همتایان ایرانی خانم کاظمی و جوانان، دانشجویان و دگراندیشان ایرانی به دست قاتلان خانم کاظمی اسیرند. برای پیشگیری از اوج پرونده قتل خانم کاظمی برای نجات جان این هم‌میهنانمان باید این پرونده را نه فقط به یک پرونده ملی، که به یک پرونده بین‌المللی تبدیل کنیم. جهان ما دیگر نباید این گونه جنایات را تحمل کند.

هیات سیاسی - اجرایی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)
۲۶ تیر ۱۳۸۲

سرمقاله

از سرگیری قتلهای زنجیره‌ای

می‌گویند پس از قتلهای زنجیره‌ای پاییز ۷۷، محمد خاتمی گفت دیگر اجازه تکرار چنین جنایاتی را نخواهد داد. این وعده رئیس جمهور نیز پوچ از آب درآمد و زهرا کاظمی خبرنگار کانادایی ایرانی، در اسارت به دست عوامل حکومت کشته شد. ماموران نظام اسلامی آنقدر بر سر زهرا کاظمی کوبیدند که این زندانی بی‌دفاع بر اثر خونریزی مغزی درگذشت. تنها گناه زهرا کاظمی این بود که می‌خواست از ایران گزارش مصور تهیه کند.

قتل زهرا کاظمی نزد اکثر حکومتی‌ها، از محافظه‌کار گرفته تا اصلاح‌طلب، نخست با سکوت برگزار شد. آندسته از حکومتی‌های اصلاح‌طلب مانند خاتمی و میردامادی رئیس کمیسیون امنیت ملی مجلس نیز که سخن گفتند، از تخلف دم زدند، گویی کسی اتومبیل خود را در منطقه ممنوعه پارک کرده است. نه اظهار همدردی با بازماندگان قربانی این جنایت، نه واکنشی که حاکی از تکان‌خوردن حضرات از این واقعه هولناک باشد. مدعیان اصلاح‌طلبی، چهره واقعی خود را نشان دادند. آنها ثابت کردند که جان امثال زهرا کاظمی برایشان ارزشی ندارد. زهرا کاظمی «خودی» نبود و استحقاق نداشت تا سرنوشت او، حضرات را برآشوبد. هیچ انسان آزاده‌ای نیست که از این گفته میردامادی احساس انزجار نکند: نباید گذاشت این حادثه به پای نظام نوشته شود.

از قضا باید هر آنچه در توان داریم به کار گیریم تا نشان دهیم مسئولیت قتل زهرا کاظمی بر عهده نظام جمهوری اسلامی است، نظامی که قاتلان زنجیره‌ای پنج سال پیش را آزادکرد و در عوض، وکلای مدافع قربانیان را به زندان انداخت. نظامی که رئیس جمهورش در همان روزهایی که ظاهرا حکم رسیدگی به ماجرای قتل کاظمی را می‌دهد، مزاح می‌گوید و گویی خیل زندانیان دیگری را که زیر دست قاتلان کاظمی مانده‌اند، به ریشخند می‌گیرد. نظامی که جان انسان در آن ارزشی ندارد.

قتل زهرا کاظمی در شرایط یورش گسترده رژیم جمهوری اسلامی به شبکه‌های اطلاع‌رسانی صورت گرفت. هم سایتهای اینترنتی را فیلترگذاشته و هم صدای فرستنده‌های ماهواره‌ای را خاموش کرده‌اند. حکومت بر آنست که از این طریق، جنایت هولناکی را که در زندانهایش مرتکب شده است لاپوشانی کند.

دستور خاتمی برای تحقیق در مورد مرگ زهرا کاظمی تنها پاسخی ناگزیر به یک رسوایی بزرگ است، پاسخی که در عین حال تلاش برای رهانیدن گریبان حکومت از این رسوایی محسوب می‌شود. واکنش

ادامه در صفحه ۲

بیانیه کانون نویسندگان ایران در مورد بازداشت‌های اخیر

روزی نیست که در این سرزمین با خبر ناگواری روبرو نشویم؛ با آنکه پس نوشته‌ایم و گفته‌ایم و هیچ گوش شنوایی نبوده است، هرگز از گفتن و نوشتن، باز نمی‌مانیم. باری ما را از این اعتراضها که مکرر و مکرر می‌شود، گزیری نیست که ما نویسنده‌ایم و نوشتن حرفه ما است و خموشی چاره این رفتارهای ظالمانه نیست.

تشکیل مجمع عمومی کانون نویسندگان را مانع شدند. از نشستهای ماهانه بی‌بهره ماندیم و اهل قلم، همچنان یکی پس از دیگری به بهانه‌های واهی و البته به جرم نوشتن، روانه زندان می‌شوند. اسماعیل جمشیدی، روزنامه‌نگار، نویسنده و عضو کانون نویسندگان ایران، هم اکنون در بند است. شمار دیگری از روزنامه‌نگاران نیز از جمله حسین باستانی، سعید فروغ‌زاد و سعید فقیه نصیری، در روزهای اخیر بازداشت شده‌اند و هولناک‌تر از همه، مرگ مشکوک زهرا کاظمی، خبرنگار. و فردا چه در پیش خواهد بود، پرسش بی پاسخ همه ما است.

دانشجویی که شکمش دریده شد!

سایت دانشجویی امیرکبیر می‌نویسد: سایت امروز نوشت سعید مرتضوی دادستان تهران دو هفته پیش در نشستی با مدیران مسئول مطبوعات، اعلام کرد دانشجویی که برای کشورهای خارجی جاسوسی می‌کرده و مشغول عکسبرداری برای خارجی‌ها بوده دستگیر شده که به دلیل روابط جاسوسی دیسکت فیلمبرداری را در مواجهه با ماموریت بلعیده است. وی تاکید کرد که در صندوق عقب خودرو وی دستگاه‌های پیشرفته مخابراتی وجود داشته است و پس از بازجویی، متهم به جاسوسی اعتراف کرده و دستگاه‌های پیشرفته‌تری از منزل وی کشف شده است.

او در آن زمان اعلام کرد که متهم برای خارج شدن دیسکت فیلم از طریق عمل جراحی به بیمارستان انتقال یافته و تحت نظر است. سایت امروز تصور می کرد که این فرد همان زهرا کاظمی است اما اینک روشن است که وی دانشجویی بنام حمید است که فیلمی از حمله به خوابگاه دانشجویی طرشت را برای شبکه خبری سی ان ان ارسال کرده و ظاهرا نسخه دیگری از آن را هنگام دستگیری می‌بلعد.

وی بعد از دستگیری و بازجویی تحت نظر مستقیم مرتضوی، و بدستور وی در بهداری اوین مورد عمل جراحی قرار می‌گیرد که بدلیل عدم دقت و رعایت اصول بهداشتی از ناحیه شکم دچار عفونت شدید می‌شود. بعد از آن برای معالجه وی را به بیمارستانی در تهران می‌برند که به رغم آن ۴ بار دچار عفونت می‌شود. بنا به اخبار رسیده، خانواده وی بشدت تحت فشار هستند تا از وضعیت فرزندشان سخنی نگویند. از سوی دیگر نماینده سی ان ان در تهران نیز بر حسب اعلام مسئولین مربوطه، از سی ان ان خواسته است تا این فیلم را پخش نکند چرا که در صورت پخش آن، دانشجوی نامبرده اعدام خواهد شد.

در راه سازماندهی و تداوم مبارزه

در صفحه ۳

در این شماره

ما هستیم، پس اعتراض می‌کنیم!
علی صمد
در صفحه ۷

پیرامون اعتراضات خرداد - تیر ۸۲
چه به دست آورده‌ایم؟
ف. تابان
در صفحه ۸

ذات یک پندار
انتقاد از ذات‌باوری اصلاح‌طلبان دینی در نمونه سروش
محمدرضا نیکفر
در صفحه ۹

وضعیت جاری جنبش ایران
دارا گلستان
در صفحه ۱۰